

منطقه‌گرایی و تغییر سیاست خارجی ج.ا.ایران در آسیای مرکزی (۱۳۹۲-۱۳۹۸)

نرگس اکسا^۱

چکیده

سیاست خارجی یکی از عرصه‌های مهم برای همه دولت‌هاست و حتی بسیاری از مسائل داخلی مانند توسعه، رفاه، اشتغال و ثبات داخلی به نوعی در پیوند با سیاست خارجی موفق ایجاد می‌شود. سیاست خارجی کشورها، تحت تاثیر مقدرات ملی و محدودیت‌های بین‌المللی قرار دارد. در دولت یازدهم، جمهوری اسلامی ایران کوشش شده است که در فضای پس از توافق هسته‌ای (برجام) و در شرایط پرتلاطم حاکم بر خاورمیانه توجه بیشتری به مناطق آسیای مرکزی بعنوان یکی از مناطق مهم پیرامونی ایران صورت گیرد. دولت روحانی با توجه به مفهوم منطقه‌گرایی تلاش داشته نفوذ خود را در مناطق آسیای مرکزی تقویت کند. مقاله پیش‌رو با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی در چارچوب رویکرد منطقه‌گرایی، همکاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی در دولت روحانی بررسی می‌کند. سوال اصلی این است که سیاست خارجی دولت روحانی چه تاثیری بر پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی ایران در منطقه آسیای مرکزی داشته است و برای دستیابی به این اهداف از چه ابزارها و امکاناتی استفاده کرده است. فرضیه مطروحه بر این استوار است که هدف سیاست منطقه‌گرایی دولت روحانی در آسیای مرکزی در راستای اهداف بلندمدت با غلبه بر ناکامی‌ها و توجه به پتانسیل‌های دو طرف برای تجارت، سرمایه‌گذاری و نفوذ متقابل است. از اینرو دولت با استفاده از اشتراکات فرهنگی، تاریخی و نیازهای اقتصادی تلاش نموده است روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی گسترش دهد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ج.ا.ایران، منطقه‌گرایی، آسیای مرکزی، دولت روحانی، اشتراکات فرهنگی-اقتصادی

مقدمه

سیاست خارجی یکی از مهمترین و حساس‌ترین موضوعاتی است که باید دولت‌ها به دقت آن را اتخاذ نمایند. کارشناسان مسائل بین‌المللی سیاست خارجی را نتیجه کنش متقابل عوامل داخلی و خارجی می‌دانند، از دیدگاه آنها مهمترین هدف سیاست خارجی هر کشور، تامین منافع ملی است. از اینرو نخستین وظیفه هر طراح سیاست خارجی مشخص کردن منافع ملی و راه‌های رسیدن به منافع ملی کشور در صحنه بین‌المللی است (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۷). سیاست خارجی عبارت از استراتژی با رشته‌ای از اعمال از پیش طرح‌ریزی شده تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهداف معین در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. به عبارتی، می‌توان گفت سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای سلسله اهداف و منافع ملی در صحنه بین‌المللی است که از سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد.

سیاست خارجی ایران مبتنی بر اصول انقلابی است اما نحوه اجرایی نمودن آن در برهه‌های مختلف زمانی با توجه به ویژگی‌های شخصی رئیس‌جمهور فراز و نشیب‌های خاصی را پیموده است. بنابراین الگوهای تصمیم‌گیری آن در اشکال اجرایی متفاوت بوده است، از آنجائیکه مسائل ایران در ارتباط با مسائل جهانی هستند، تقویت منطقه‌گرایی و افزایش دامنه‌های نقش و نفوذ ایران می‌تواند در خدمت اهداف توسعه‌ای و رفع تهدیدات امنیتی کشور قرار گیرد. سیاست گسترش روابط با همسایگان، حسن همجواری و مداخله نکردن در امور داخلی کشورهای همسایه و بویژه تنش‌زدایی در منطقه از جمله اصولی هستند که هر کشوری که به دنبال پیشرفت، بهبود شرایط و نفوذ در مناطق استراتژیک به نفع خود است بطور قطع آنها را دنبال می‌کند. پس از جنگ، منطقه‌گرایی یکی از رویکردهای اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود در دولت سازندگی این رویکرد در رأس برنامه‌های دستگاه سیاست خارجی ایران قرار گرفت سیاست منطقه‌گرایی و اعتمادسازی با همسایگان از زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی شروع شد در این دوره ایران همواره تلاش نموده است تا با میانجیگری در بحران‌ها و درگیری‌های موجود در منطقه به رفع ناامنی و تهدیدهای بالقوه و بالفعل در منطقه کمک نماید و از نفوذ و گسترش قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بکاهد. در دوره خاتمی تنش‌زدایی و توسعه روابط و مناسبات با شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه اروپا و سپس آمریکا در دستور کار و اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت نقطه عطف این دوره بهبود روابط ایران و اروپا بود. در دوره دولت اصول‌گرا، شاخص‌ترین و بارزترین الگوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توسعه روابط و مناسبات سیاسی، اقتصادی با کشورهای امریکای لاتین بود. فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی یک تحول و دگرگونی ژئوپولیتیکی بنیادی در محیط جغرافیای و امنیتی ایران به وجود آورد. پیدایش جمهوری‌های تازه استقلال یافته در منطقه آسیای مرکزی مجال مناسبی برای توسعه و نفوذ ایران در این منطقه را فراهم کرد از اینرو منطقه آسیای مرکزی با

کشورهای تازه استقلال یافته بعنوان حوزه ارتباطات فرهنگی، تاریخی و اقتصادی در این دوره مورد توجه قرار گرفت به ویژه در دوره خاتمی آسیای مرکزی بعنوان حوزه فرهنگی و تمدنی مورد توجه قرار گرفت همچنین در دوره احمدی‌نژاد شاهد تحولی جدی در عرصه کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن نسبت به منطقه آسیای مرکزی نبودیم (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱). از مرداد سال ۱۳۹۲ با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری با شعار اعتدال‌گرایی در سیاست داخلی و خارجی زمینه‌ساز شکل‌گیری رویکردهای جدید به سیاست خارجی و داخلی جمهوری اسلامی ایران شد این دولت هدف اصلی خود را در عرصه سیاست خارجی، تعامل موثر و سازنده معطوف به تامین منافع متقابل با اقتصاد جهانی و اقتصاد محور کردن سیاست خارجی عنوان کرده است از جمله رویکردهای جدید به سیاست خارجی ایران در دوران روحانی می‌توان به مواردی مانند توافق با کشورهای ۵+۱ و اتحادیه اروپا در خصوص مسئله هسته‌ای ایران اشاره نمود در واقع در این دوران سرانجام طرفین پس از یک دهه مذاکرات ناموفق به توافق رسیدند که بدون اغراق پیشرفت مهمی به شمار می‌رود پس از توافقات مذکور رویکرد سیاست خارجی دولت نسبت به همسایگانش در منطقه، بویژه دولت‌های آسیای مرکزی تغییر کرد. سرآغاز تغییر نسبی فضای سیاسی و روانی ایران در سطح منطقه آسیای مرکزی حضور رهبران و مقامات ارشد کشورهای این منطقه در مراسم تحلیف حسن روحانی در مرداد ۱۳۹۲ (اوت ۲۰۱۳) بود این امر گویای توجه جدی رهبران و مقامات ۵۷ کشورهای آسیای مرکزی به روی کار آمدن دولت جدید ایران با گفتمان متفاوت در عرصه سیاست خارجی بود. گفتمان جدیدی که باعث شد تحرک تازه‌ای در رویکرد سیاست خارجی ایران به کشورهای منطقه ایجاد شود (کوزه‌گر کالچی، ۱۳۹۶). ماهیت نظام بین‌الملل بگونه‌ای است که به همان اندازه که دامنه‌های نقش و نفوذ و منافع ملی قدرت‌ها در دنیا افزایش می‌یابد به همان اندازه نیز ضرورت گسترش تعامل و همکاری و نیاز به ائتلاف‌ها و تمرکز بر منطقه‌گرایی نیز گسترش می‌یابد. منطق روابط بین‌الملل بگونه‌ای است که وجود تعامل، ائتلاف و اتحاد را یک امر ضروری می‌سازد. دستیابی به چنین امری بدون یک سیاست خارجی فعال امکان‌پذیر نیست. آسیای مرکزی متشکل از ۵ جمهوری ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان است که بعد از فروپاشی شوروی در نقشه جدید جهان ظاهر شد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این منطقه به دلیل قدمت تاریخی و میراث‌دار بودن جاده ابریشم، منابع غنی انرژی و پل ارتباطی بین آسیا و اروپا بسیار مورد توجه قرار گرفت. در آسیای مرکزی، پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، محصور در خشکی جهان هستند در واقع یک حوزه جغرافیای بسته هستند که از شرق و جنوب به کوهستان و از غرب به دریای خزر محدود می‌شوند که برای دستیابی به دریا باید حداقل از دو کشور همسایه عبور نماید در چنین شرایطی ایران امکان خروج از انزوای ژئوپلیتیکی را برای کشورهای

آسیای مرکزی می‌تواند فراهم کند از اینرو از دیدگاه کشورهای آسیای مرکزی رابطه با ایران دارای اهمیت ویژه ای است از طرفی روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی تاریخی پرفراز و نشیب داشته است. توجه به پیشینه تاریخی و روابط فرهنگی ایران با ملت‌های این منطقه نشان می‌دهد که ایران پتانسیل بالقوه بالایی برای گسترش حوزه نفوذ خود در آسیای مرکزی دارد و اتخاذ یک سیاست مناسب می‌تواند به افزایش حضور ایران در این منطقه بینجامد (فاطمی‌نژاد و هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۸). جمهوری اسلامی ایران به ریاست جمهوری روحانی یک مفهوم منطقه‌ای نوین را تنظیم کرد که براساس آن ایران نفوذش را در مناطق مجاور از جمله آسیای مرکزی گسترش دهد. سیاست خارجی دولت روحانی ترکیبی از تئوری‌های رئالیستی و نئورئالیستی روابط بین‌الملل است بر این اساس دولت روحانی به این نتیجه رسید که کاهش تحریم‌ها را اولین اولویت خود قرار دهد امری که تمامی دیگر مسائل به آن وابسته بودند در واقع هدف از این منطقه‌گرایی جدید در دولت روحانی غلبه بر تحریم‌ها و کاهش فشار تحریم‌ها بر ایران است پسرفت و قابلیت هر دو طرف برای تجارت، سرمایه‌گذاری، و اعمال نفوذ متقابل است. در دولت روحانی نگاه به منطقه آسیای مرکزی یک موضوع جدی است و از آنجائیکه این دولت بر سند چشم‌انداز بیست ساله تاکید ویژه‌ای دارد از آسیای مرکزی بعنوان منطقه مورد توجه آن سند غفلت نخواهد کرد.

۱- منطقه‌گرایی

یکی از ویژگی‌های روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، رشد و توسعه همکاری و همگرایی منطقه‌ای در چارچوب منطقه‌ای شدن بوده است. منطقه‌گرایی براساس تجربه تاریخی در قالب منطقه‌گرایی قدیم (قبل از دهه ۱۹۸۰) و منطقه‌گرایی نوین (بویژه بعد از دهه ۱۹۹۰) مطرح می‌شود تغییر و تحولات نظام بین‌الملل، زیرسیستم‌های منطقه‌ای را نیز متحول و دگرگون می‌کند در طول جنگ سرد با وجود ساختار دوقطبی فرآیند منطقه‌گرایی در مناطق مختلف جهان آغاز شد. فرایند منطقه‌ای شدن پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی تقویت و تشدید شده است و نوع متفاوتی از همکاری‌های درون منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و تجاری را برانگیخت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۹). با فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته در آسیای مرکزی و قفقاز که از لحاظ تمدنی و تاریخی و همچنین فرهنگ اسلامی به نوعی به ایران و خاورمیانه وصل می‌شدند، شرایطی فراهم شد تا ایران نگاه به مناطق شمالی و شرقی را برای اولین بار در اولویت سیاست خارجی خود قرار دهد. در سرتاسر دهه ۱۹۹۰ صاحب‌نظران مطالعات سیاست خارجی ایران مشغول بحث و بررسی و مطالعه در مورد روش‌های چگونگی برقراری ارتباط نزدیک ایران با کشورهای این منطقه و بطور کلی ضرورت حضور فعال ایران در این منطقه بودند (Barzegar, 2003). ماهیت نظام بین‌الملل در دنیای امروز به شکلی است که به همان اندازه که دامنه‌های نقش و نفوذ

و منافع ملی قدرت‌ها در دنیا افزایش می‌یابد به همان اندازه نیز ضرورت گسترش تعامل و همکاری و نیاز به ائتلاف‌ها و تمرکز بر منطقه‌گرایی نیز گسترش می‌یابد دستیابی به چنین امری بدون یک سیاست خارجی فعال امکانپذیر نیست (برزگر، ۱۳۸۸). منطقه‌گرایی در سیاست بین‌الملل که گاه مترادف فوق ملی‌گرایی و با گرایش‌های بین‌حکومتی شناخته می‌شود، به گسترش قابل ملاحظه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان دولت‌ها و سایر بازیگران در نواحی جغرافیایی خاصی اشاره دارد. اصولاً تعریف منطقه عبارت است از ترکیبی از نزدیکی جغرافیایی، درجه بالای تعاملات، چهارچوب‌های نهادی و هویت‌های فرهنگی مشترک. در اغلب موارد منطقه‌گرایی برحسب درجه انسجام اجتماعی (زبان، قومیت، نژاد، فرهنگ، مذهب، تاریخ و آگاهی از میراث مشترک)، انسجام اقتصادی (الگوهای تجاری و مکمل بودن اقتصادی)، یکپارچگی سیاسی (نوع رژیم و ایدئولوژی) و انسجام سازمانی (وجود نهادهای رسمی منطقه‌ای) تجزیه و تحلیل می‌شود (قوام، ۱۳۸۴). منطقه‌گرایی، یکی از راهکارهای تحقق چندجانبه‌گرایی است و بعنوان نخستین گام و مرحله نخست آن به شمار می‌آید. این فرایند به معنای همگرایی و همکاری منطقه‌ای در قالب یک طرح و برنامه سیاسی و اقتصادی خودمختار و غیراستیلاجویانه است منطقه‌گرایی براساس سطوح مختلف مناطق که شامل «واحد جغرافیایی»، «سیستم اجتماعی»، «همکاری سازمان یافته»، «جامعه مدنی منطقه‌ای» و «هویت منطقه‌ای» است به انواع مختلفی تقسیم می‌شود. در مفهوم نخست، منطقه‌گرایی به معنای مجاورت و نزدیکی جغرافیایی ۵۹ چند واحد سیاسی است. در مضمون دوم، نوعی روابط و تعاملات فراملی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی میان جوامع مختلف در یک محدوده جغرافیایی است که نوعی مجموعه منطقه‌ای را شکل می‌دهند. در سطح سوم، منطقه‌گرایی، به صورت تشکیل نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای تعریف می‌شود و مرزهای منطقه نیز با عضویت در این سازمان‌ها تعیین می‌گردد. از این‌رو فرایند منطقه‌گرایی مستلزم گذر از وضعیت تمایزات و تفاوت‌های نسبی به سوی تجانس و قرابت‌های فزاینده سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی در سطح منطقه است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲).

بنابراین منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به معنای همکاری، همگرایی و اتحاد و ائتلاف با کشورهای منطقه پیرامونی است. از این‌رو، منطقه‌گرایی متضمن و مستلزم تلاش چندجانبه برای تحقق تمامی سطوح همگرایی و همکاری در ابعاد امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی در گستره منطقه است. گفتگوی درون منطقه‌ای برای کشف و تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و ایجاد یک نظم فرهنگی و اجتماعی متناسب با همگرایی سیاسی و اقتصادی و همکاری‌های امنیتی یکی از وجوه منطقه‌گرایی است. ایجاد ترتیبات و ساختارهای امنیتی چندجانبه به صورت رسمی یا غیررسمی برای مدیریت جمعی امنیتی منطقه و حل و فصل منازعات منطقه‌ای یکی دیگر از ابعاد منطقه‌گرایی است. اما همانگونه که از مفهوم

منطقه‌گرایی برداشت می‌شود، مهمترین بعد آن همگرایی و همکاری اقتصادی است. با توجه به تقسیم کار و تفکیک کارکردی صورت گرفته در حوزه اقتصاد بین‌الملل و محدودیت‌های یکجانبه‌گرایی اقتصادی، جمهوری اسلامی تلاش کرد از طریق فرایند منطقه‌گرایی توسعه‌گرا زمینه را برای همگرایی، همکاری و شکل‌گیری بلوک اقتصادی منطقه‌ای فراهم سازد. زیرا هم پیوندی اقتصاد ایران با اقتصاد بین‌المللی به صورت تدریجی امکانپذیر است که منطقه‌گرایی اقتصادی آن را مقدور می‌سازد. گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای منطقه و حضور فعال در نهادها و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای، مشارکت فعال در تدوین قواعد و شکل‌دهی به روندهای اقتصادی از جمله الزامات منطقه‌گرایی اقتصادی است که ایران در صدد تحقق آنها برآمد. جمهوری اسلامی بر این باور بود که با بهره‌گیری از قابلیت‌های دیپلماسی گروه با گروه، سیاست مقیاس و همگرایی و همکاری منطقه‌ای بهتر و آسان‌تر می‌توانست به توسعه اقتصادی دست یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱).

آسیای مرکزی یکی از مناطقی است که دارای پتانسیل همگرایی منطقه‌ای است. فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی که دارای ارتباطات تاریخی و قرابت جغرافیایی و فرهنگی با ایران است را می‌توان بعنوان فرصتی نوین و طلایی برای سیاست خارجی ایران و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با این کشورهای تازه استقلال یافته تلقی نمود.

۲- تشابهات ژئوپلیتیکی

آسیای مرکزی یکی از مناطق ژئوپلیتیکی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد این منطقه شامل ۵ کشور مسلمان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان می‌باشد که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱م بر نقشه جغرافیای سیاسی جهان ظاهر گشت این کشورها محصور در خشکی هستند، قزاقستان پهناورترین کشور محصور در خشکی جهان است ازبکستان، تنها کشور محصور در خشکی جهان است که برای دستیابی به دریا باید حداقل از دو کشور همسایه عبور نماید در چنین شرایطی ایران از طریق خشکی (ترکمنستان) و آبی (دریای خزر) با کشورهای آسیای مرکزی ارتباط دارد موقعیت و ویژگی‌های جغرافیای ایران و کشورهای آسیایی مرکزی به شکلی است که با یکدیگر دارای نوعی وابستگی ژئوپلیتیکی هستند در واقع از جمله عوامل همبستگی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی همین تشابهات ژئوپلیتیکی هستند که شامل وابستگی منافع و اهداف ملی یک کشور یا بازیگر سیاسی به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیای کشورها و بازیگران سیاسی دیگر است که دو مورد از مهمترین آنها مسیر کریدوری و ارتباطی و همچنین دسترسی به آب‌های آزاد جهان می‌باشد که کشورهای آسیای مرکزی در این زمینه به شدت به ایران وابسته هستند (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱). بنابراین عدم دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی، اهمیت خطوط انتقال انرژی را مشخص می‌سازد. در این میان از بین چهار مسیر شرقی، غربی، شمالی و

جنوبی برای این منظور، کریدور جنوبی امن‌ترین و ارزان‌ترین مسیر به شمار می‌رود. این مسیر همان راهی است که با عبور از انرژی از داخل خاک ایران به دریای عمان و خلیج فارس، کشورمان را در مرکز نقل انتقال انرژی آسیای مرکزی می‌کند، در صورتی که ایران بتواند با در پیش گرفتن سیاست خارجی فعال و برقراری روابط موثر با کشورهای این منطقه، مانع اجرایی شدن سه مسیر دیگر که غیر ایمن، پرهزینه و طولانی هستند شود نقش اول را در تحولات و توازن قدرت آسیای مرکزی خواهد داشت. منطقه آسیای مرکزی مانند ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و ژئوپلتیکی از اهمیت بسیاری در سطح بین‌الملل برخوردار است اهمیت این منطقه از لحاظ اقتصادی که سرشار از منابع نفت و گاز که به صورت یکی از مخازن بزرگ انرژی جهان درآمده است بطوریکه حدود یک و نیم تا سه و نیم درصد از ذخایر شناخته شده نفتی و ۵۵ درصد از ذخایر گازی جهان در آسیای مرکزی قرار دارد بدین ترتیب بازاری گسترده است که می‌تواند مقصد صادرات کالا و خدمات و مبدا واردات مواد اولیه و خام باشد و همچنین پل ارتباطی بین شمال و جنوب چون بین آسیای شمال غربی و خلیج فارس قرار دارد در واقع دسترسی ایران به دریای سیاه و اروپا از طریق ماوراء قفقاز و چین و اقیانوس آرام از طریق آسیای مرکزی است بر این اساس می‌توان گفت این منطقه «خلیج فارس دوم» محسوب می‌شود. بدیهی است که صادرات نفت و گاز از این کشورها که به دریای آزاد راه ندارند مستلزم همکاری و همچنین احداث خطوط لوله پرهزینه برای انتقال نفت و گاز از این منطقه می‌باشد. بنادر ایران و ۶۱ دسترسی به آب‌های آزاد برای تاثیرگذاری بر این منطقه به ویژه بر کشورهای ترکمنستان و ارمنستان برخوردار است بگونه‌ای که آنها را ترغیب کند که برای صادرات گاز خود از این بنادر استفاده کنند و در توسعه یک شبکه منطقه‌ای صادرات گاز به بازارهای بالقوه مصرف مفید خواهد بود. از اینرو لازم است که ایران با کشورهای آسیای مرکزی ارتباطات دوستانه‌ای برقرار کند همچنین کشور ایران در مناسب‌ترین موقعیت جغرافیایی برای ارتباط این کشورهای درونی و دور از کرانه به دنیای برونی قرار گرفته است، در چنین شرایطی ایران با دارا بودن بیش از دو هزار مایل خط ساحلی در جنوب، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای محصور در خشکی شمال‌ارزانی می‌دارد این ارتباط کوتاه‌ترین، سریع‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین میسر را از منطقه خزر، آسیای مرکزی، به بازار جهانی که شامل شبه قاره هند، ژاپن و خاور دوم می‌شود را فراهم می‌کند. این کشورها عموماً کشورهای تک‌محصولی در صادرات به شمار می‌روند و اقلام محدودی از مواد اولیه را صادر می‌کنند میزان اتکا به درآمد حاصل از این صادرات، بسیار زیاد و با توجه به نقش حمل و نقل در قیمت تمام شده و بازاریابی، جایگاه حمل و نقل و تسهیلات ترانزیتی در اقتصاد آنها بسیار مهم می‌باشد. لذا جمهوری اسلامی ایران از نقطه نظر ترانزیتی و حمل و نقل برای این کشورها حائز اهمیت فراوان می‌باشد (علویان و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۸: ۷۵). ولی ایران به دلایل زیادی نتوانسته از مجاورت خود با آسیای

مرکزی از سال ۱۹۹۱ به بعد حداکثر استفاده را ببرد یک دلیل آن مربوط به اقدامات ایران در قبال گروه‌های شیعی است حمایت از گروه‌های شیعی باعث جدایی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی شده است زیرا کشورهای آسیای مرکزی تمام مخالفان خود را افراطی یا تروریست می‌دانند به جزء تاجیکستان همگی سنی هستند. از اینرو تاکید و حمایت ایران از گروه‌های شیعه باعث جدایی ایران از این کشورها شده است (blank, 2014). کشور ایران از پتانسیل‌های زیادی برای تاثیرگذاری بر این منطقه برخوردار است محصور بودن منطقه و عدم دسترسی به آبهای آزاد با در نظر گرفتن اشتراکات که کشورهای آسیای مرکزی با ایران دارند می‌تواند فرصت خوبی برای تعمیق مناسبات کشورهای آسیای مرکزی با کشورمان و جلوگیری از افزایش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشد (iras.ir). مسیر ایران اقتصادی‌ترین و امن‌ترین و کوتاه‌ترین راه انرژی منطقه است و شبکه راه آهن ایران نیز توان ترانزیت ۲۰ میلیون تن کالا را در سال دارند از سوی ایران نقش کلیدی در شاهراه‌های موجود منطقه یعنی جاده ابریشم، راه آهن سراسری آسیا، تراسیکا و کریدور شمال و جنوب دارد.

۳- اشتراکات تاریخی، زبانی، دینی کشورهای آسیای مرکزی با ایران

روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی تاریخی پر فراز و نشیب داشته است توجه به پیشینه تاریخی و روابط فرهنگی ایران با ملت‌های این منطقه نشان می‌دهد، ایران به جهت قربت، علایق و مشترکات فرهنگی، تاریخی و دینی با کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی درصدد نفوذ و حضور در هر یک از این کشورها برآمد اما سیاست خارجی ایران در طی این سال‌ها با عوامل متعددی مواجه بوده است که درک صحیح آن می‌تواند به اتخاذ یک دیپلماسی واقع‌بینانه، پویا، همه‌جانبه و سازگار با واقعیت‌های منطقه آسیای مرکزی منجر شود و در قبال آن ایران می‌تواند در میان انبوهی از قدرت‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای، سهم مناسبی از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه آسیای مرکزی را در اختیار بگیرد و در راستای هر چه بیشتر منافع ملی گام بردارد.

مهمترین اشتراکات ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی عبارتند از:

۱) اشتراکات دینی و آئینی: بیش از سه چهارم جمعیت کشورهای آسیای مرکزی (ازبک‌ها، قزاق‌ها، تاجیک‌ها، ترکمن‌ها، قرقیزها، قالپاقها و دونگنها) مسلمان هستند مسلمانانی که حاکمیت طولانی نظام کمونیستی در منطقه هرگز نتوانست اسلام را از باورهای آنان بزدايد (آکینز، ۱۳۶۷).

۲) اشتراکات فرهنگی و تاریخی: مشابهت‌های فرهنگی بعنوان عامل دیرپا و تاثیرگذار همواره محور همبستگی‌های تاریخی و اجتماعی بوده است وجود مشاهیر و میراث مکتوب مشترک در کشورهای آسیای مرکزی که در حوزه پژوهش از اعتبار بسیار بالایی برخوردارند، خودگویای این اشتراک است. بنحویکه پاره‌ای

از اندیشمندان فرضا تاجیکان را حاملان اصلی فرهنگ و ادب فارسی در آسیای مرکزی می‌دانند (محمدی اوف، ۲۰۱۰).

۳) اشتراک زبانی: مردم کشور تاجیکستان فارس زبان‌اند اقوام و گروه‌های بسیاری از مردم در ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان صحبت کردن به زبان فارسی را می‌دانند. بعنوان نمونه وقتی یک ایرانی به شهر سمرقند و بخارا سفر می‌کند بی‌آنکه به زبان دیگری آشنا باشد می‌تواند با مردم آن دیار گفتگو کند. ۴) موقعیت جغرافیایی ایران در جاده سنتی ابریشم و اندیشه احیای این امر در قالب‌های جدید و متناسب با پیشرفت علوم و دانش زمان که می‌تواند راهنمایی سیاست‌های ایران با همسایگان شمالی و ایفای نقش ترانزیتی در قبال دیگر کشورهای جهان شود (کاظمی، ۱۳۷۲).

وجود اشتراکات دینی با وجود بیش از ۴۲ میلیون مسلمان (اگرچه متفاوت از نظر مذهبی) اشتراکات زبانی در زیرمجموعه گویش‌های زبان فارسی، به ویژه در تاجیکستان، شهر اوش در جنوب قرقیزستان، وجود تشابه‌های فرهنگی با ایرانیان، به ویژه در تاجیکستان، دره فرغانه در کنار رود زرافشان و سمرقند و بخارا در ازبکستان و نیز مرو و عشق‌آباد، نمونه‌های بدیع از این اشتراکات در حوزه فرهنگی است. این عوامل موجب همگرایی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی در حوزه فرهنگی گردیده است و موجب شده تا تفاهم و دوستی بین این کشورها و جمهوری اسلامی ایران رو به گسترش گذارد. از این‌رو حوزه فرهنگی، یکی از ۶۳ مهمترین بسترهایی است که ایران می‌تواند با ارتقای سطح و حجم همکاری با کشورهای منطقه، ضمن احیای ژئوکالچر خود در آسیای مرکزی، زمینه بیشتر همکاری با این کشورها را در سیاست خارجی خود فراهم کند بنابراین تعمیق مناسبات ایران با کشورهای این منطقه در حوزه فرهنگی فراهم کننده زمینه تعامل جدی در سایر حوزه‌هاست_منوط به شناسایی مولفه‌های مشترک فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه از قبیل مشترکات زبانی، دینی، تاریخی و میراث فرهنگی و درک مولفه‌های تهدید کننده این اشتراکات فرهنگی همچون اسلام‌گرایی افراطی خواهد بود (علویان و کوزه‌گرکالجی، ۱۳۸۸). باتوجه به مجموعه‌ای از اشتراکات تاریخی، زبانی و دینی کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی با ایران کشورمان از پتانسیل‌های زیادی برای تاثیرگذاری بر این منطقه برخوردار است بنحویکه مجموعه این عوامل بعنوان متغیرهای مستقل و اثرگذار به همراه انگیزه‌ها، ملاحظات و محرک‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی روند شکل‌گیری و اجرای رفتار خارجی ایران را در منطقه تحت تاثیر قرار داده‌اند.

۴- سیاست‌های دولت روحانی در قبال کشورهای آسیای مرکزی

با روی کار آمدن روحانی سیاست خارجی ایران در این منطقه دچار تغییر و تحولات شد. دولت روحانی مفهوم منطقه‌گرایی جدیدی را تدوین کرد که هدف از آن گسترش نفوذ ایران بر مناطق مجاور از جمله منطقه قفقاز و آسیای مرکزی بود هدف اصلی دولت روحانی از چنین برنامه‌ای از یکسو مقابله با مسائل مربوط به عدم توسعه یافتگی است و از سوی دیگر بهره‌گیری از قابلیت‌های هر دو طرف در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری، و اعمال نفوذ متقابل است. میراث سیاست خارجی ایران در مناطق آسیای مرکزی در دولت روحانی گویای آن است که در فضای پس از توافق هسته‌ای (برجام) و در شرایط پراشتهاب حاکم بر خاورمیانه، توجه بیشتری به مناطق آسیای مرکزی بعنوان یکی از مناطق مهم پیرامونی ایران صورت گرفت و در این راستا توفیقات مهمی حاصل شد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶). حسن روحانی رئیس‌جمهور در آغاز سفر منطقه‌ای به سه کشور آسیای مرکزی و قفقاز وارد ایروان پایتخت ارمنستان شد روحانی پس از امضای پنج سند همکاری با همتای ارمنی، به قزاقستان و سپس قرقیزستان رفت که نتیجه آن نیز امضای چند سند همکاری دیگر بود روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی نشان دهنده این است که تهران توانسته با کشورهای این منطقه نوعی تفاهم ایجاد کند (irna.ir). در حوزه اقتصادی ایران می‌تواند همکاری‌های مطلوبی با کشورهای آسیای مرکزی داشته باشد مهمترین مزیت اقتصادی ایران نسبت به تمام رقبای اقتصادی در این منطقه برخورداری از کوتاه‌ترین و با صرفه‌ترین کانال ارتباطی با آب‌های آزاد و نیز کشورهای خاورمیانه و اروپای است. گسترش رایزنی‌ها و برگزاری سمینارها و جلسات دوجانبه و منطقه‌ای برای معرفی هر چه بیشتر این مزیت و رفع برخی سوءتفاهمات و تبلیغ‌های ضد ایرانی، به ویژه در رابطه با ناامن بودن راه‌های ایران و از همه مهم‌تر، سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه زیرساخت‌های ارتباطی، به ویژه در دو حوزه ریلی و جاده‌ای از اولویت‌های ایران در حوزه اقتصادی به شمار می‌رود (علویان و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۸). حسن روحانی رئیس‌جمهوری روابط خود را با کشورهای آسیای مرکزی در شرایطی بهبود بخشید که این منطقه قرن‌ها عرصه رقابت و کشمکش بین کشورهای ترکیه، روسیه، ایران بوده است ایران برای گسترش نفوذ خود در این منطقه ترکیبی از انگیزه‌های مثبت و منفی را برای خود دارد تاکتیک‌های ایران در آسیای مرکزی غیرایدئولوژیک هستند (weitz, 2015). احتمالاً مهمترین دلیل برنامه هسته‌ای ایران نه فقط برای تمام اعضای سازمان همکاری شانگ‌های (SCO) بعنوان خطر تلقی می‌شد بلکه تحریم‌های تحمیلی واشنگتن و فشار دیپلماتیک دائمی برای منزوی کردن ایران هرگونه احتمال واقعی برای به حداکثر رساندن تجارت و سرمایه‌گذاری بالقوه را برای ایران و همسایگان آن در آسیای مرکزی از بین برده بود (blank, 2014). تحت تاثیر تحریم‌های بین‌المللی وضعیت اقتصادی ایران در شرایط دشواری قرار گرفته بود بطوریکه ایران برای توسعه اقتصادی در بخش‌های کلیدی خود نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی داشت تحت چنین شرایطی باتوجه به فقدان تامین پول مورد نیاز و شرایط

ژئوپلیتیکی گوناگون از تحقیق‌یابی پروژه‌های عظیم زیرساختی توسط ایران ممانعت خواهند کرد تا سال ۲۰۱۰ حداکثر ۵ میلیون تن نفت قزاقستان از طریق بندر آکتائو از کشور خارج می‌شد، از دریای خزر می‌گذشت و بعنوان یک معامله پایاپای به ایران می‌رسید با این حال این شیوه مبادله تحت فشار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل امریکا و اروپا قرار گرفت و باعث شد که میزان تجارت بین دو کشور ایران و قزاقستان کاهش پیدا کند بطوریکه میزان این تجارت در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۲ میلیارد دلار افزایش یافته بود اما در سال ۲۰۱۵ به ۶۵۰ میلیون دلار کاهش پیدا کرد که ۵۷۰ میلیون دلار به صادرات قزاقستان مربوط می‌شد. اما پس از توافق هسته‌ای امکان مبادلات اقتصادی، پولی، بانکی و بیمه‌ای در زیرساخت‌های حمل و نقل فراهم شد و موانع بزرگ مبادلات بانکی که شرایط دشواری را برای کشورمان با همسایگان ایجاد کرده بود با کاهش جدی روبرو شد. بعنوان نمونه خط ریلی گرگان به ترکمنستان و قزاقستان پروژه بزرگ و مهمی است که در سال ۱۳۸۶ در اجلاس «کشورهای ساحلی دریای خزر» در تهران تصمیم به اجرای آن گرفته شد پس از گذشت حدود یک دهه به بهره‌برداری رسید افزون بر آن، راه آهن قزوین، رشت، انزلی و آستارا نیز نقش مهمی در توسعه روابط با کشورهای همسایه خواهند داشت (www.irna.ir). نشانه‌های دال بر افزایش ظرفیت ایران در ارتباط با همکاری با کشورهای آسیای مرکزی وجود دارد که یک نمونه آن تکامل چند پروژه عظیم زیرساختی است که مهمترین آن‌ها عبارت بود از جاده ابریشم چین و غلبه بر موانع موجود که ۶۵ سد راه پروژه‌های دیگر مثل خطوط لوله گاز از ترکمنستان به هندوستان بود که این کشورها مشارکت ایران را در این پروژه‌ها جاده ابریشم یا خط لوله گاز جایگزین از ایران به پاکستان و بعد به هندوستان را پذیرفتند. ایران در ماه آگوست ۲۰۱۴ اعلام کرد دیگر نیازی به واردات گاز از ترکمنستان ندارد چون که در حال افزایش تولید داخلی‌اش است این حرکت منفی نسبت به ترکمنستان نبود بلکه بیشتر نوعی تغییر و تحول در ظرفیت و سیاست داخلی ایران است که گواه آن این واقعیت است که توافقنامه معروف عشق‌آباد یک گذرگاه شمال به جنوب از ترکمنستان به ازبکستان و ایران و عمان را به وجود آورد که بطور پایدار در حال پیشروی بود این خط ریلی و گذرگاه اساساً باعث تقویت تلاش‌های کشورهای آسیای مرکزی برای رسیدن به خلیج فارس و بازارهای دیگر می‌شد (blank, 2014). ایران به منظور گسترش روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز زیرساخت‌های حمل و نقل خود مانند راه آهن و جاده‌ای را توسعه داده است همچنین به منظور گسترش روابط دوستانه و پایدار با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در بخش‌هایی از کشورهای مناطق مذکور اقدام به سرمایه‌گذاری نموده است بعنوان مثال ایران به میزان صد میلیون دلار سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنای را در تاجیکستان انجام داده است و همچنین قراردادی به ارزش ۳ میلیارد دلاری برای تکمیل تونل انزاب یا تونل مرگ که ایران را به چین از طریق غرب به افغانستان، تاجیکستان متصل می‌کند

با کشور تاجیکستان امضا نموده است. نقش ایران در تاجیکستان بخاطر نگرانی ازبکستان از ایران در عدم همکاری آن با پروژه‌های برقی تقویت شده بود. ایران در برخورد با کشورهای آسیای مرکزی دنبال تبدیل شدن به یک ابرقدرت منطقه‌ای نیست بلکه به دنبال شریک اقتصادی و سیاسی می‌باشد که سیاست‌های ایران در این راستا موفقیت‌آمیز بوده است (reza merat, 2013). زمانبندی افتتاح خط ریلی ایران-ترکمنستان-قزاقستان در ماه نوامبر ۲۰۱۴ بوده که این پروژه از نظر دسترسی به بازارهای دوردست یا نسبتاً دست نیافتنی و توسعه شبکه گذرگاه‌ها و خطوط ریلی موصلاتی شمال-جنوب و شرق-غرب که ایران و کشورهای همسایه و شرکای آن منتظر سود بردن از آن هستند که برای تمام اعضا سودآوری مشابهی خواهد داشت. در ژوئیه ۲۰۱۴ ایران از قزاقستان به میزان ۷۸۶۰۰۰ تن گندم و جو به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار در مقایسه با سال ۲۰۱۳، ۲۸۰ هزار تن به ارزش ۸۷ میلیون دلار در مدت مشابه وارد کرده است در کل ایران حدود ۵/۲۵ درصد از صادرات گندم قزاقستان و حدود ۶۲ درصد از جو این کشور را تشکیل می‌دهد (voloshin, 2014). ایران زمینه دسترسی این کشورها را به آب‌های آزاد جهان از طریق خلیج فارس فراهم کرده و اینکه قادر است با استفاده از خطوط ریلی و جاده‌ای، این کشورها را از فضای بسته آسیای مرکزی خارج کرده تا این جمهوری‌ها به بازارهای بین‌المللی متصل شوند (فاطمی‌نژاد و هاشمی، ۱۳۹۵).

۵- جاده ابریشم جدید

چین با تکیه بر نقش پررنگ و محوری خود در راه ابریشم باستان از اوایل دهه ۹۰ میلادی وارد قلمرو افسانه‌پردازی راه ابریشم شده بود، اما آن را تنها در سپتامبر ۲۰۱۳ بعنوان سیاستی رسمی اعلام کرد این طرح بعنوان نخستین طرح جهانی زیربنای یک تریلیون دلاری چین به دلیل ابعاد بزرگ و گسترده فراگیرش و نیز ظرفیت آن برای ایجاد تغییرات زیربنایی در منطقه، توجهات را در سراسر جهان به خود جلب نموده است تا پیش از ارائه این ابتکار، دسترسی برنامه‌ریزی شده چین به آسیا و ورای آن هیچ سابقه معاصریتی نداشته است. کمربند اقتصادی راه ابریشم، بخش اصلی ابتکار یک کمربند، یک راه^۱ را تشکیل می‌دهد، مسیری طولانی که از خاک چین از شیان^۲ شروع شده، لانتزو^۳ و اورومچی^۴ تا مرز قزاقستان را می‌پیماید و سپس با عبور از آسیای مرکزی و افغانستان به سوی غرب رفته و با گذر از ایران و ترکیه به مدیترانه و اروپا می‌رسد. در واقع استراتژی راه ابریشم نوین چین نه تنها بر بازرگانی و همکاری‌های اقتصادی، بلکه بر راه ابریشم نیز تاکید دارد (تیشه‌یار و تویسرکانی، ۱۳۹۶). باتوجه به این سیاست چین و تغییر و تحولات به وجود

¹ Silk road economic belt csreb

² Xian

³ Lanzhou

⁴ Urumqi

آمده در سیاست خارجی ایران در دولت روحانی در راستای توسعه همکاری با کشورهای آسیای مرکزی کشور چین نقش برجسته‌ای را در این همکاری برعهده دارد طرح بسیار مهم ایران موسوم به راه ابریشم تا حدودی وابسته به اتصال ایران به چین از طریق قزاقستان است که به گسترش خطوط کشتیرانی ایران در دریای خزر حول دو بندر انزلی و نوشهر در ایران و اکتانو در قزاقستان دور می‌زند و خطوط هوایی تهران و آلماتی را به هم پیوند می‌دهد (رمضانی، ۱۳۸۰). ایران در نهایت قصد دارد سیاست‌های خود را به صورت یک کانون تجاری، انرژی و اقتصادی محقق سازد اما این کار را باید همراه با افزایش بسیار گسترده قدرت اقتصادی چین در سراسر منطقه به انجام برساند که کشورهای آسیای مرکزی هم از نظر اقتصادی سود ببرند. دولت روحانی قصد دارد نفوذش را در کشورهای آسیای مرکزی با هدف از میان برداشتن موانع موجود و افزایش قابلیت هر دو طرف برای همکاری‌ها گسترش دهد. پس این استراتژی را با اجرای پروژه‌های عظیم زیرساختی مانند کمربند اقتصادی جاده ابریشم به رهبری چین را مورد تاکید قرار می‌دهد این نوآوری کاملاً در راستای تلاش‌های تهران برای بهسازی ارتباطات ریلی و جاده‌ای با آسیای مرکزی و دسترسی به بازار چین قرار دارد (parkhomchik, 2013). به این ترتیب ایران زمین حاصلخیزی را برای توسعه در نوآوری چین پیدا کرده که سودآوری را در پروژه‌هایی نظیر افتتاح انشعاب خط ریلی قزاقستان-ترکمنستان-ایران و آغاز پیاده‌سازی توافقنامه عشق‌آباد در خصوص احداث گذرگاه حمل‌ونقل و ترانزیت ازبکستان-ترکمنستان، ایران-عمان-قطر ۶۷ می‌بیند و کمربند اقتصادی جاده ابریشم با منعکس کردن اولویت‌بندی قبلی ایران برای جهانی‌سازی زیرساخت حمل‌ونقل این امکان را برای ایران فراهم می‌سازد که به میانگاه ترابری ولجستیکی در محل تقاطع مسیرهای ترانزیت بین‌المللی و نقطه کانونی تجارت منطقه تبدیل شود. علیرغم اینکه منطقه‌ی آسیای مرکزی از لحاظ اقتصادی، سیاسی، امنیتی برای ایران دارای اهمیت ویژه‌ای است اما ایران نتوانست از موقعیت به وجود آمده نهایت استفاده را بنماید با توجه به حضور روحانی در اجلاس سالانه سازمان همکاری شانگهای صحه‌ای بر درخواست ایران مبنی بر عضویت دائم در این سازمان بود چون که این احتمال وجود داشت تا قبل از اجلاس ۲۰۱۵ عضویت دائم دو کشور هند و پاکستان را بپذیرد قطعاً هم ایران برای چنین عضویتی تلاش خواهد کرد اما همچنان نتوانسته به عضویت دائم این سازمان درآید بخاطر مقررات این سازمان و ادامه تحریم‌های ایران توسط امریکا این امکان فراهم نشده است. این سازمان فرصت مناسبی را در اختیار ایران قرار می‌دهد تا در کنار سایر اعضای پر نفوذ (روسیه، چین) روابط خود را با کشورهای آسیای مرکزی گسترش دهد و میزان مراودات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی را در چهارچوب این سازمان گسترش داده و در نتیجه شرایط را برای یک همگرایی منطقه‌ای کارآمد فراهم سازد. از آنجائیکه آسیای مرکزی تنها منطقه ژئوپلیتیکی پیرامون کشورمان به شمار می‌آید که ایالات متحده در آن دارای قدرت بلامنازع نیست عضویت

در این سازمان و سازوکارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن باعث ارتقاء محیط امنیتی ایران و جلوگیری از تکمیل شدن محاصره استراتژیک ایران خواهد شد (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱). اقتصاد ایران قادر نخواهد بود مانند یک مرکز بازرگانی برای کشورهای آسیای مرکزی جویای بازارهای جدید عمل کند. اما با این حال ایران پیشرفت‌های اساسی و ملموسی را به دست آورده است از جمله پروژه جاده ابریشم چین در شرف تحقق‌یابی است و با مرور زمان برنامه‌های سابق روسیه در خصوص گذرگاه یا شبکه مستقل شمال-جنوب با پایانه‌اش در ایران یا هند با جاده ابریشم تلفیق خواهد شد ایران در نهایت می‌تواند بلند پروازی‌هایش را به صورت یک کانون تجاری، انرژی و اقتصادی محقق سازد و این کار را همراه با افزایش همکاری بسیار گسترده چین در سراسر منطقه به انجام برساند که کشورهای آسیای مرکزی هم از نظر اقتصادی سود می‌برند.

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، رشد و توسعه همکاری و همگرایی منطقه‌ای در چارچوب منطقه‌ای شدن بوده است منطقه‌گرایی باعث گسترش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان دولت‌ها می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند. منطقه‌گرایی یکی از رویکردهای اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که پس از جنگ آن را دنبال کرده است جمهوری اسلامی ایران در هر دوره‌ای به منطقه خاصی توجه داشته است اما با پیروزی حسن روحانی در انتخابات و توافق هسته‌ای (برجام) مجموعه سیاست‌های متفاوت ایران واکنش‌های مثبتی را در میان کشورهای منطقه به وجود آورد روحانی اهمیت روابط با همسایگان را در سیاست خارجی دولت در اولویت قرار داد و عنوان کرد که همکاری میان آنها برای آینده منطقه اهمیت دارد بطوریکه آسیای مرکزی جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران در این دوره پیدا کرد و ایران بدون زیر سوال بردن اهمیت کشورهای آسیای مرکزی در اجرای تمام عیار سیاست منطقه‌ای‌اش یک سیاست متمرکز بر تقویت جایگاه و موضع اقتصادی‌اش در منطقه را دنبال کرد بدون شک مجموعه سیاست‌های متفاوت ایران پاسخ مثبتی را در آسیای مرکزی به وجود آورده است زیرا تمام این کشورها تمایل دارند شرکای خارجی بیشتری را در آسیای مرکزی ببینند که سلطه‌جو نباشند. چنین سیاست‌هایی از جنبه اقتصادی و ژئوپلیتیکی به نفع ایران خواهند بود چون که باعث تقویت رشد اقتصادی و جایگاه ایران در اقتصاد جهان می‌شود. روابط دوستانه ایران و کشورهای آسیای مرکزی طی تاریخ طولانی این ملت‌ها همواره برقرار بوده است، ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از موقعیت بهتری دارا می‌باشد و با توجه به پتانسیل‌های اقتصادی آسیای مرکزی، تلاش کرده است روابط خود را با این کشورها افزایش دهد. میراث سیاست خارجی ایران در مناطق آسیای مرکزی در دولت روحانی گویای این واقعیت است که در فضای پس از توافق هسته‌ای و در شرایط پرتلاطم حاکم بر خاورمیانه، توجه بیشتری به مناطق آسیای مرکزی بعنوان

یکی از مناطق مهم پیرامونی ایران صورت گرفته است که در این راستا توفیقات مهمی حاصل شد بنابراین براساس رهیافت منطقه‌گرایی که مهمترین بعد آن همگرایی و همکاری اقتصادی در قالب گسترش همکاری اقتصادی با کشورهای منطقه‌ای است حضور فعال در نهادها و سازمان‌های اقتصادی منطقه مهمترین خواسته ایران است که در این منطقه درصدد تحقق آنها برآمده است.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آکینر، شیرین (۱۳۶۷)، **اقوام مسلمان اتحاد شوروی**، ترجمه: محمدحسین پایدار، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- ۲- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات نی.
- ۳- اعظمی، هادی و دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی»، **فصلنامه فضای جغرافیایی**، س ۱۲، ش ۴۰.
- ۴- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات اورآسیای مرکزی**، س ۲، ش ۵.
- ۵- بی‌نا (۱۳۹۵)، «زیرساخت‌های بهبود روابط با آسیای مرکزی و قفقاز در دولت یازدهم»، www.irna.ir
- ۶- بی‌نا (۱۳۹۵)، «اهمیت دیپلماسی حضور در آسیای مرکزی و قفقاز»، www.iras.ir
- ۷- تیشه‌پار، ماندانا و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۹۶)، «مبنای ژئوپلیتیک راه ابریشم آمریکا و چین در آسیای مرکزی»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، ش ۹۹.
- ۸- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۲)، «الزامات سیاست خارجی توسعه ملی در چشم‌انداز بیست ساله ایران»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**.
- ۹- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)، «تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی»، **فصلنامه مطالعات اورآسیای مرکزی**، س ۲، ش ۵.
- ۱۰- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، ج ۴، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۱- رضانی، روح‌اله (۱۳۸۰)، **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- ۱۲- علویان، مرتضی و کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی: بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، س ۱۲، ش ۴۶.

- ۱۳- فاطمی‌نژاد، سیداحمد و هاشمی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی در پرتو جهانی شدن: طرحی برای جامعه بین‌الملل منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، ش ۲۱.
- ۱۴- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۵- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۲)، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، چ ۲، تهران: نشر قومس.
- ۱۶- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۵)، «کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست خارجی ایران: میراث گذشته و چشم‌انداز پیش‌ر»، فصلنامه علوم سیاسی.

لاتین:

- 17- barzegar, Kayhan (2003). Twelve years after the disintegration of the Sovietunion, *Diseouquarterly*, vol.5, nol.
- 18- blank, Stephen (2014). IsIran making a com back in central asia, issue of the cacl analyst.
- 19- merat, raza (2015). rouhani central asia policies in spotlight at scosummit, <http://www.al-monitor.com>
- 20- weitz, Richard (2015). Iran, sempowerment in central asia and the south Caucasus, www.css.ethz.ch/en
- 21- voloshin, George (2014). Iran courts Kazakhstan to reengage with central asia.